

قواعد ترکیب

انتقال پیام از ذهنی به ذهن دیگر، به وسیله‌ی زبان صورت می‌گیرد پیش از این نیز آموختیم که کوچک‌ترین واحد زبان «واج» است و بزرگ‌ترین، «جمله». نخستین مرحله‌ی سخن نیز آن است که واج‌ها با هم ترکیب شوند و از ترکیب آن‌ها تکواژ و واژه ساخته شود. آیا می‌توان هر واجی را در کنار واج دیگر قرار داد و از آن، تکواژ ساخت؟ مسلماً خیر؛ زیرا در هر زبان قواعد دقیقی برای هم‌نشینی واج‌ها وجود دارد؛ مثلاً می‌دانیم که در فارسی معیار، چنین اجتماعی از واج‌ها به دلیل مغایرت با قوانین واجی ممکن نیست. پُژش، شِچَد آشنایی ذاتی هر فارسی‌زبانی با زبان خودش، قواعد واجی زبان را به وی می‌آموزد. یکی از این قواعد، ساختمان «هجاء» در زبان است؛ یعنی هر فارسی‌زبانی می‌داند که الگوهای هجایی در فارسی معیار، از سه صورت زیر، بیرون نیست.

(۱) صامت + مصوّت : و، ما

(۲) صامت + مصوّت + صامت : در، کاش، نیز، آب^۱

(۳) صامت + مصوّت + صامت + صامت : دَرَد، گُفَت، کارَد.

با وجود این، می‌بینیم که در زبان فارسی واژه‌هایی مثل : پَقَبُ و یَچَشُ و نظایر آن که دقیقاً بر الگوهای یاد شده هم منطبق است، ساخته نمی‌شود. علت این امر را زبان‌شناسان

۱- هیچ هجایی در نظام آوایی زبان فارسی با مصوّت آغاز نمی‌شود پس آ، او ... در کلماتی مثل اَبَر،

اَب، اُرَدک، اِسَم، این و او با همزه آغاز می‌شود که در شمارش واجی، ۲ واج محسوب می‌گردد مثال : اَب = ۳ واج

چنین توضیح می‌دهند :

واج‌هایی که واجگاه^۱ مشترک یا نزدیک به هم دارند، معمولاً نمی‌توانند بی‌فاصله در کنار هم قرار گیرند ؛ به عنوان مثال، واجگاه جفت واج‌های /ب/، /پ/ و /چ/، /ش/ و /ت/، /د/ به هم نزدیک است و به این دلیل، کنار هم قرار گرفتن آن‌ها در یک «هجا» ممکن نیست. این قاعده را قاعده‌ی واجی می‌گویند.

تکواژها و واژه‌هایی که با تطبیق قواعد واجی ساخته می‌شوند، در ساختن گروه به کار می‌روند. در این مرحله نیز، براساس قواعد هم‌نشینی، واژه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و مثلاً از اجتماع چند واژه، گروه اسمی‌ای چون «آن دو مرد درستکار دانشمند ایرانی» ساخته می‌شود که اگر بتوان در نحوه‌ی هم‌نشینی اجزای آن تغییراتی هم داد، این تغییرات محدود است ؛ مثلاً نمی‌توان در تثرِ معیارِ خبریِ امروز چنین گروه اسمی‌ای ساخت : «دو آن ایرانی درستکار دانشمند مرد». زبان‌شناسان در توضیح این مطلب می‌گویند : هیچ‌زبانی از کلیه‌ی امکانات هم‌نشینی واژه‌ها و تکواژهایش استفاده نمی‌کند و ترکیب‌های بالقوه‌ای که امروز کاربرد ندارند، جزو ذخیره‌های زبان هستند و ممکن است روزی اهل زبان بخواهند یا بتوانند از آن‌ها استفاده کنند ؛ همان‌طور که در گذشته‌ی زبان فارسی، ساختن گروه‌های اسمی زیر، غیرممکن می‌نمود اما امروزه، دست کم در حوزه‌ی زبان هنری فارسی، به وفور از این گونه گروه‌های اسمی ساخته می‌شود :

«عمیق زمین»، «بلندکوه»، «بلند کاج پیر خشک همسایه»، «عبوسِ ظلمتِ خیسِ شبِ مغموم»، که الگوی هم‌نشینی آن‌ها چنین است : صفت بیانی پسین + نقش نمای — + اسم (+ ...) اما در گذشته یا همین امروز در حوزه‌ی تثرِ خبری، همان گروه‌های اسمی، براساس الگوی زیر ساخته می‌شوند : اسم + نقش نمای — + صفت (+ ...).

این قاعده شامل گروه‌های قیدی و گروه‌های فعلی نیز می‌شود.

۱- واجگاه، به دستگاه تولید صداها (واج‌ها) گفته می‌شود و شامل لب‌ها، دندان‌ها، لثه، کام، نای و ... است. برای مثال واج /د/ زبانی - دندانی است. زیرا از برخورد نوک زبان با دندان‌های پیشین ایجاد می‌گردد. در آواشناسی سنتی به واجگاه «مخرج حروف» می‌گویند.

فعالیت ۱

براساس الگوی زیر، یک گروه اسمی بسازید و درباره‌ی امکان جابه‌جایی اجزای آن گفت‌وگو کنید:

صفت + صفت + اسم + نقش نمای — + صفت + نقش نمای — + اسم



گروه‌ها نیز پس از آن که برحسب «قواعد هم‌نشینی» تولید می‌شوند، براساس «قواعد نحوی» در کنار هم قرار می‌گیرند تا جمله بسازند؛ مثلاً جمله‌ی: «حسن صورت خود را در آینه دید» کاملاً درست است ولی جمله‌های

الف) «حسن صورت حسن را در آینه دید.»

یا

ب) «خود صورت خود را در آینه دید.»

کاملاً غلط است. در حالی که واژه‌های «حسن» و «خود» بر اساس الگوهای هجایی زبان ساخته شده‌اند و هر دو جمله نیز از دیدگاه معنایی روشن هستند و با وجود این که می‌دانیم حسن = خود و جانشینی حسن و خود نیز ممکن است، باز هم هیچ کس مجاز به ساختن جمله‌هایی مثل جمله‌ی الف و ب نیست.

در این مرحله از گفتار، «قواعد نحوی» هم‌چون صافی دقیقی جمله‌ها را بررسی می‌کند و اگر با معیارهای آن منطبق باشد، اجازه‌ی تولید می‌دهد.



به جمله‌ی زیر دقت کنید:

«چوپانان، آسمان آبی را رسید.»

گروه‌های سازنده‌ی این جمله، دقیقاً مطابق با الگوهای زبان فارسی ساخته شده‌اند، اما چرا هیچ فارسی‌زبانی چنین جمله‌ای را به کار نمی‌برد؟

زیرا این جمله دو ایراد آشکار دارد :

الف) نهاد جدا و پیوسته‌ی آن با هم منطبق نیستند.

این نقص را اصلاح کنید.

ب) چون گروه اسمی «آسمان آبی» نقش مفعولی دارد، فعل حتماً باید «گذرا به مفعول» باشد، در حالی که «رسید» گذرا به مفعول نیست.

با استفاده از آن چه تاکنون آموخته‌اید، این ایراد را هم اصلاح کنید.

جمله به این صورت اصلاح می‌شود : «چوپانان، آسمان آبی را رسانیدند.»

آیا جمله‌ی اخیر، اجازه‌ی ورود به فارسی نوشتاری معیار را پیدا می‌کند؟ چرا؟

چون در این مرحله نیز صافی دیگری وجود دارد که جمله را از نظر معنایی بررسی می‌کند و در صورتی اجازه‌ی تولید می‌دهد که از دیدگاه معنایی نیز درست باشد و مثلاً به این صورت درآید : «چوپانان، گوسفندان را رسانیدند.» که به این نوع قواعد «قواعد معنایی» می‌گویند.

فَعَالِيَّت ۲

با استفاده از روش جانشین‌سازی، هر یک از گروه‌های جمله را دوبار تغییر دهید تا به جمله‌هایی کاربردی تبدیل شوند.

کتاب، درس را نجات یافت.

جمله‌ی «چوپانان گوسفندان را رسانیدند»، از هر جهت کاملاً پذیرفته است و هیچ نوع اشتباه صرفی و نحوی در آن وجود ندارد.

حال بیاییم این جمله‌ها را به کار ببریم. فرض کنیم که هم‌اکنون یکی از هم‌کلاسان از ما بپرسد : «درس امروز را خوانده‌ای؟» و ما در پاسخ بگوییم : «چوپانان گوسفندان را رسانیدند».

آیا چنین کاربردی درست است؟

چرا نمی‌توانیم چنین جمله‌هایی را در این موقعیت یا موقعیت‌های مشابه به کار ببریم؟ زیرا براساس شمر زبانی می‌دانیم که به کار بردن این جمله‌های دستورمند، در چنین موقعیتی همان اندازه نادرست است که بگوییم: «سی سوساسی».

پس در این مرحله از زبان هم قواعدی وجود دارد که جمله‌ها را – حتی اگر از صافی‌های دیگر گذشته و مهر تأیید خورده باشند – بار دیگر بررسی می‌کند و اگر آن‌ها را مطابق با موقعیت بداند، به آن‌ها اجازه‌ی تولید می‌دهد. این قواعد هم در ذهن همگی اهل زبان وجود دارد و به آن‌ها «قواعد کاربردی» می‌گویند.

خودآزمایی

۱) برای هریک از قواعد نحوی و معنایی، یک مثال بنویسید.

۲) برای هریک از الگوهای هجایی، دو نمونه بنویسید.

۳) چرا واحدهای زبانی زیر کاربرد ندارد؟

پرورش، وزارت و آموزش. چرا تو، تو را سرزنش می‌کردی؟

۴) الگوهای هجایی واحدهای زبانی زیر را بنویسید:

مثال: آداب } آ: صامت + مصوت بلند
 داب: صامت + مصوت بلند + صامت

– گل – مؤذن

– رعد – بنفشه

– خویشتن – ماه

– دانشمند – خورشید

جمله

سال پیش خواندیم که جمله‌ی مستقل بزرگ‌ترین واحد زبانی است که از واحدهای کوچک‌تر ساخته شده است و خود جزئی از یک واحد بزرگ‌تر نیست؛ مثلاً:

جمله‌ی «اخترشناسی علمی است که» جمله‌ی مستقل نیست؛ چون جزئی از واحد بزرگ‌تر زیر است:

«اخترشناسی علمی است که به مطالعه‌ی اجرام آسمانی می‌پردازد.»

«به مطالعه‌ی اجرام آسمانی می‌پردازد.» هم جمله‌ی مستقل نیست؛ چون جزئی از همان واحد بزرگ‌تر است.

جمله‌ی مستقل دو نوع است:

(۱) جمله‌ی مستقل ساده که دارای یک فعل است:

اخترشناسان در شاخه‌های تخصصی، کارهای متفاوتی می‌کنند.

(۲) جمله‌ی مستقل مرکب، جمله‌ای که دست‌کم یک وابسته دارد:

بعضی از اخترشناسان متخصصانی هستند که کار آن‌ها مشاهده‌ی اجرام آسمانی به کمک دوربین نجومی است.

فعالیت ۱

نمونه‌ای از جمله‌های مستقل یک فعلی و چند فعلی را بیان کنید.

جمله چیست؟

خواندیم که جمله‌ی ساده سخنی است که بتوان آن را به دو بخش نهاد و گزاره تقسیم کرد؛ پس از جمله‌ی مستقل بزرگ‌ترین واحد زبان، جمله است.

واحد‌های زبان به ترتیب از کوچک به بزرگ عبارت‌اند از: واج، تکواژ، واژه، گروه، جمله، جمله‌ی مستقل

جمله از چه واحدهایی ساخته می‌شود؟

جمله از یک یا چند گروه ساخته می‌شود.

سه گروه فعلی، اسمی و قیدی جمله را می‌سازند که از میان آن‌ها گروه قیدی را می‌توان حذف کرد زیرا فعل به آن نیاز ندارد.

گروه چیست؟

پس از جمله، «گروه» بزرگ‌ترین واحد زبان است که از یک یا چند واژه ساخته می‌شود و در ساختمان جمله به کار می‌رود؛ مثل: اجرام، اجرام آسمانی، مطالعه‌ی اجرام آسمانی، جهان، ماهیت جهان، تبیین ماهیت جهان.

دیدیم که هر گروه از یک هسته تشکیل می‌شود که می‌تواند تعدادی وابسته داشته باشد اما آمدن وابسته در گروه الزامی نیست. هسته‌ی گروه اسمی، اسم و هسته‌ی گروه فعلی، بن فعل و هسته‌ی گروه قیدی، قید یا اسم است؛ مثلاً جمله‌ی «کار بعضی از متخصصان مشاهده است» اگرچه ظاهراً از نظر دستوری کامل است اما چون نقص معنایی دارد، به اجزا و وابسته‌هایی نیازمند است. همین جمله را با افزودن عناصر دیگر می‌توان این گونه کامل‌تر کرد: «کار بعضی از متخصصان، مشاهده‌ی اجرام آسمانی به کمک دوربین نجومی است.»

فعّالیت ۲

هسته‌ی گروه‌های زیر را مشخص کنید :
این پرسش‌ها، دمای اجرام آسمانی، ابزارهای گوناگون، شاخه‌های تخصصی،
تاریخچه‌ی جهان

واژه چیست؟

واژه یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند تکواژ ساخته می‌شود و در ساختمان واحد بزرگ‌تر یعنی گروه به کار می‌رود. واژه می‌تواند مفهومی مستقل داشته باشد مثل میز یا مفهومی غیرمستقل داشته باشد مثل از، در، که، نقش نمای اضافه، را (نقش نمای مفعولی) و یا در ساختار جمله مفهوم پیدا می‌کنند؛ مانند نقش نمای اضافه (ـِ)، حرف پیوند «و» و «ی» اسنادی در «تویی» (= تو هستی) و

تکواژ چیست؟

تکواژ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می‌شود.^۱ تکواژ گاهی معنا و کاربرد مستقل دارد؛ مثل : میز، خوب، مَن. در این صورت، آن را تکواژ آزاد می‌نامند. گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه‌های دیگر به کار می‌رود که آن را تکواژ وابسته می‌نامند؛ مثل : بان، گاری، مند، تر، برای^۲، از و

۱) تکواژ صفر نمود آوایی ندارد اما در شمارش تعداد تکواژها یک تکواژ شمرده می‌شود. مانند : است
∅ ⇐ دو تکواژ دارد هم‌چنین نقش نمای اضافه، هم یک واج و هم یک تکواژ است.

۲- «برای» یک تکواژ است زیرا واج «ـِ» زیر صامت «ی» متعلق به خود واژه است.

واج چیست؟

واج کوچک‌ترین واحد صوتی زبان است که معنا ندارد اما تفاوت معنایی ایجاد می‌کند؛ مثلاً اگر در واژه‌ی سر به جای واج /س/، واج /پ/ بگذاریم، می‌شود پَر و معنای واژه عوض می‌شود. پس /پ/ واج است.

هم‌چنین اگر در واژه‌ی گُل به جای /ـُ/، /ـِ/ بگذاریم، واژه‌ی جدیدی با معنای جدید ساخته می‌شود. پس /ـُ/ و /ـِ/ واج‌اند. واج اگر چه فاقد معناست، در ساختمان واحد بزرگ‌تر یعنی تکواژ به کار می‌رود.

اجزای جمله چگونه در پی هم می‌آیند؟

گروه‌های سازنده‌ی جمله به دو شیوه در پی هم قرار می‌گیرند :
شیوه‌ی عادی، شیوه‌ی بلاغی.

شیوه‌ی عادی: کاربرد این شیوه در نوشته‌های خبری، علمی، اداری و آموزشی به روش زیر معمول است :

نهاد همه‌ی جمله‌ها در ابتدای جمله می‌آید.

فعل همه‌ی جمله‌ها در انتهای جمله می‌آید.

ترتیب سایر جمله‌ها نیز چنین است :

نهاد + مفعول + فعل

نهاد + مسند + فعل

نهاد + متمم + فعل

نهاد + مفعول + متمم + فعل

نهاد + مفعول + مسند + فعل

وابسته‌های پیشین اسم، پیش از اسم می‌آیند.

وابسته‌های پسین اسم، پس از اسم می‌آیند.

گروه‌های قیدی برحسب موقعیت یا ضرورت یا تأکید و برجسته‌نمایی پیش یا پس از

نهاد می‌آیند :

ما فردا، حتماً او را می‌بینیم. شاید من او را فردا ببینم.

فعالیت ۳

با نظر هم‌کلاسی‌های خود، برای موارد ذکر شده، جمله‌های مناسبی مثال بیاورید.

شیوه‌ی بلاغی: این شیوه، بیش از این‌که دستوری باشد، به طرز نوشتن نویسنده و سبک وی بستگی دارد. در این شیوه، اجزای کلام برحسب تشخیص نویسنده و برای تأثیر بیشتر سخن، جابه‌جا می‌شوند. بدیهی است که این جابه‌جایی، با مجوزهای دستوری انجام می‌پذیرد و تشخیص نقش آن‌ها به دو طریق صورت می‌گیرد :

(۱) به کمک نقش‌نما: اجزای جمله می‌توانند با نقش‌نمای خود جابه‌جا شوند :

{ با دوست از هر دری سخن گفتم.
[از هر دری با دوست سخن گفتم.

(۲) از طریق معنا: به دو جمله‌ی زیر، توجه کنید :

(الف) شکفته‌ترین گل هستی، نگاه متبسم مادر به فرزند است.

(ب) نگاه متبسم مادر به فرزند، شکفته‌ترین گل هستی است.

از نظر معنا بین این دو جمله هیچ تفاوتی وجود ندارد اما فضای عاطفی هر یک از آن‌ها، در موقعیت مناسب، باعث برگزیدن یکی از آن دو می‌شود.

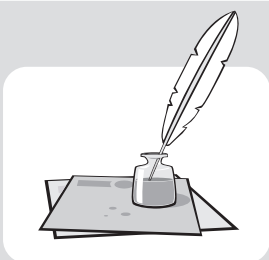
یادآوری:

در مواردی تغییر جاسبب تغییر معنی می‌شود :

(۱) تغییر جای مفعول مجرد (بدون را) که در ثر عادی، بی‌واسطه پیش از فعل

می‌آید :

این راننده ماشین دارد ← این ماشین راننده دارد.
۲) تغییر جای مسند که در نثر عادی، بی واسطه پیش از فعل می آید :
رئیس اداره، معاون شده است ← معاون، رئیس اداره شده است.



واژه های هم آوا (۱)

به جمله های زیر، توجه کنید:

شاه عباس سفیری به دربار وایتکان فرستاد.

صفیر کلوله از بهمه جابه کوشش می رسید.

یکی از صفات خداوند که در قرآن نیز از آن یاد شده «قدیر» است.

عمید «غدير» از اعیاد بزرگ است.

در گلستان سعدی سخنان نفوذ دلکش فراوان است.

پیمان شکن کسی است که عهد و پیمان خود را نقض کند.

در جمله های بالا، بر یک از گروه واژه های «صفیر و سفیر» «قدیر، غدير»

و «نفز، نقض» بر چند تلفظ مشترک دارند و به اصطلاح «هم آوا» هستند، معناها و

کاربرد های جداگانه ای دارند و نمی توان آن ها را به جای هم به کار برد.

خودآزمایی

(۱) در متن زیر، ابتدا جمله‌ها را براساس درست‌ترین شیوه‌ی ممکن بازنویسی کنید. آن‌گاه، جمله‌های مستقل ساده و مرکب را مشخص کنید.

سروده بود غزلی بی‌معنا و بی‌قافیه شاعری. نزد جامی برد آن را. پس از خواندن آن گفت: همان‌طوری که دیدید، در این غزل استفاده نشده است از حرف الف. گفت جامی از سایر حروف هم بهتر بود استفاده نمی‌کردید!

(۲) نوع تکواژهای کلمات زیر را مشخص کنید:

— اخترشناسان — قشنگ‌تر

— تاریخچه — گل‌خانه

— آفریدگار — دانش‌پژوه

(۳) با هر یک از کلمات هم‌آوای زیر، گروه اسمی مناسب بسازید.

انتصاب، تعلّم، حیات، جذر، خویش، صواب، برائت

انتساب، تألم، حیاط، جزر، خیش، ثواب، براعت

(۴) درباره‌ی تصویر زیر، انشایی بنویسید.



نقاشی آبرنگ اثر: رحیم نوده‌سی